روزنامه شرق

یکشنبه ۸ اردیبهشت ۱۳۹۸ • ۲۲ شعبان ۱۴۴۰ • ۲۸ آوریل ۲۰۱۹

سال شانزدهم • شماره ۳۴۱۳ • ۱۶صفحه • ۴۰۰۰ تومان

رئیس قوه قضائیه مطرح کرد

تأکید بر احیای ظرفیت‌های دیوان عالی کشور

گروه سیاست: روز گذشته مراسم تکریم و معارفه رؤسای قدیم و جدید دیوان عالی کشور با حضور رئیس قوه قضائیه برگزار شد. سوم اردیبهشت بود که غلامحسین اسماعیلی، سخنگوی قوه قضائیه، اعلام کرد: «از آنجایی که...

صفحه ۳

غلامرضا نظربلند در گفت‌وگو با «شرق»:

بهانه FATF را به اروپا ندهیم

گروه اقتصاد: قراردادن یکی از ارکان نظامی یک کشور در لیست تروریستی، یکی از اقدامات مخرب آمریکا در راستای انزوای ایران بود که با واکنش‌های بین‌المللی روبه‌رو شد. واکنش‌های داخلی به این اقدام تحریک‌آمیز آمریکا نیز کم نبود....

صفحه ۸

«شرق» در گفت‌وگو با وکلای ۳ محکوم، جزئیات حواشی پرونده بانک سرمایه را بررسی کرد

نمایش ایست قلبی

صفحه ۴

برشی از گفت‌وگوی جواد ظریف با شبکه فاکس‌نیوز

ترامپ به دنبال جنگ با ایران نیست

سخنگوی وزارت خارجه:
هیچ درخواستی برای مذاکره با آمریکا در کار نیست

بررسی پیشنهاد دیپلماتیک تبادل زندانیان ایران و آمریکا

مأموریت سخت

با یادداشت‌هایی از: حمید کریم‌نیا، مهدی ذاکریان، امیرعلی ابوالفتح علی ماجدی، ابراهیم متقی، ساسان کریمی و پیرمحمد ملازهی

عکس: Gettyimages

صفحه‌های ۶ و ۱۵

تیترها

افشای محرمانه‌های مدیران دولتی

صفحه ۵

سیدمحمود دعایی مطرح کرد

روایت دیدار آیت‌الله سیستانی با امام خمینی(ره)

صفحه ۱۵

آق‌قلا دوباره زیر آب

تشکیل پرونده برای ۲ متهم در سیل شیراز

صفحه ۱۳

آیا خریداران نفت ایران به لغو معافیت‌های نفتی بی‌اعتنایی خواهند کرد؟

صفحه ۴

پرسپولیس - سپاهان چگونه به جنجال کشیده شد؟

«خشم و هیاهو»

صفحه ۱۴

کدام بولتن به دست ائمه جمعه می‌رسد؟

صفحه ۲

سرمقاله

الزامات گذر از تحریم‌های آمریکا

فریدون مجلسی

بعد از اعلام تمدیدنشدن معافیت واردکنندگان نفت ایران و افزایش تنش‌ها در روابط ایران و ایالات متحده، نگاه‌ها به سوی اروپا دوخته شده و دراین‌میان بیانیه سخنگوی موگرینی، مسئول روابط خارجی اتحادیه اروپا و بیانیه وزارت امور خارجه فرانسه درباره پایبندی اروپا به برجام و پیشرفت سازوکار اینستکس به‌عنوان صندوق واسط غیردلاری تسویه مالی میان صادرکنندگان اروپایی به ایران و واردکنندگان اروپایی از ایران، واکنش‌های مثبت و منفی را به دنبال داشته است؛ سازوکاری که احتمالا در تلاش است مبادلات بدون آنکه رابطه خریدار و فروشنده علنی باشد، صورت گیرد و منافع شرکت‌های اروپایی در تجارت با ایران از سوی آمریکا به مخاطره نیفتد. محافل دیپلماتیک ایرانی نیز در دشوارترین شرایطی که خودشان نقشی در پدیدآمدن آن نداشته‌اند، وظیفه خود می‌دانند به‌هرحال به این بیانیه‌ها نیم‌نگاهی داشته باشند تا شاید گوشه‌ای از منافع ملی محفوظ بماند و معاملات و زندگی اقتصادی کشور ادامه یابد.اما باید در نظر داشت از طرف دیگر تیم مقابل ایران شامل آمریکا و اسرائیل، عربستان و متحدان منطقه‌ای آنان یا «تیم B» به قول ظریف، وزیر خارجه، عملا جنگ با جمهوری اسلامی را از زاویه اقتصادی آغاز کرده‌اند. هدف اعلام‌شده آمریکا به‌طوری‌که بارها رسانه‌ای هم شده، براندازی نظام جمهوری اسلامی نیست؛ بلکه تضعیف آن است که شاید نتواند خطری برای بقای رژیم تل‌آویو محسوب شود. درگیرکردن طرف متخاصم در ستیزهای فرسایشی و ازمیان‌بردن و خنثی‌کردن منابع مالی او استراتژی شناخته‌شده‌ای است که آمریکا با درگیرکردن شوروی در مقام حامی مالی و تدارکاتی جنگ ویتنام و سپس به‌چالش‌کشاندن شوروی در جنگ افغانستان توانست با تضعیف بنیه مالی شوروی دنبال کند. ترامپ در سال‌های گذشته بارها به طور علنی اعلام کرده باید دلارهای انباشته نفتی در خاورمیانه را از چنگ صاحبان آن دربیاورد. ازاین‌رو نمی‌توان به اعتبار بیانیه‌های سخنگوی خانم موگرینی و وزارت خارجه فرانسه دلخوش بود و انتظار داشت که به‌سادگی بگذارند ایران با بهره‌مندی از سازوکار مالی اتحادیه اروپا جنگ اقتصادی آمریکا را به‌سادگی خنثی کند. شرکت‌های بزرگ اروپایی ملاحظات قبلی را خواهند داشت؛ اما می‌توان از اروپا خواست تضمین کند شرکت‌های کوچکی که با آمریکا طرف معاملات نیستند، از این فرصت استفاده کنند.در هفته گذشته مایک پمپئو، وزیر خارجه آمریکا و برایان هوک، رئیس گروه ویژه اقدام علیه ایران، صریحا اعلام کردند هدف‌شان تغییر نظام در ایران نیست؛ بلکه تضعیف و بی‌اثرسازی آن است؛ گرچه از تهدید در صورت اقدام علیه نیروهای آمریکایی نیز خودداری نکردند. به عبارت دیگر معاملات محدود ایران را در بهره‌مندی از این سازوکار یا فروش‌های نفت ارزان در دریا تحمل خواهد کرد. دراین‌میان کشورهای نفتی عربی اعلام آمادگی کردند که کاهش عرضه نفت ایران را جبران کنند. پس سوی دیگری که ایران باید برای گذر از شرایط، متوجه آن باشد، برخی کشورهای عربی منطقه هستند. واکنش عربستان و امارات به تمدیدنشدن معافیت واردکنندگان نفت ایران، موجب پاسخ رئیس‌جمهور ایران شد. روحانی کشورهای عربی مذکور را به‌شدت محکوم کرد و اقدام آنان را که «موجودیت‌شان مدیون ایران است» ناسپاسی دانست. دراین‌باره باید توجه داشت اصولا همین کشورهای عربی بودند که از دوران ملک عبدالله مشوق آمریکا به آغاز جنگ با ایران و «کوبیدن سر مار به سنگ» بودند. شیخ‌نشین‌هایی که توسعه، نوسازی و مدرن‌سازی جوامع خود را در پناه کنارکشیدن از ادعاها و درگیری‌های پرهزینه ۷۰ساله در مقابل اسرائیل و عافیت‌طلبی سودجویانه و تبدیل مسئله عرب-اسرائیل به مسئله ایران-اسرائیل یافته‌اند، درواقع مدعیان و طرف‌های اصلی ایران در این جو خصومت‌آمیز، دلگرم به حمایت آمریکا در صورت برخورد نظامی هستند. درحالی‌که این کشورهای عافیت‌طلب حتما می‌دانند در صورت ستیزه‌گری نمی‌توانند از پاسخ شدید ایران مصون بمانند. این آمریکاست که از آسیب‌دیدن دو طرف به یک اندازه سود خواهد برد و به هدف اصلی خود یعنی خالی‌کردن منطقه از دلارهای نفتی - که می‌تواند موجب قدرت صنعتی و اقتصادی و دفاعی این کشورها شود- نزدیک‌تر می‌شود؛ چنان‌که درگیری‌های فرسایشی در سوریه، عراق و یمن برای‌شان نتیجه‌بخش بوده است.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

مدیریت گران صداوسیما

حبیب‌الله معظمی
مدرس و پژوهشگر ارتباطات

در ارتباطات و روزنامه‌نگاری معمولا سه حوزه جداگانه و مستقلِ مطالعات انتقادی معرفی می‌شود: ۱- محتوای رسانه ۲- مدیریت (مالکیت) رسانه ۳- منابع مالی رسانه.

به ندرت پیش می‌آید که رسانه‌ای تحت بررسی مطالعاتی و انتقادی توأمان هر سه حوزه یادشده باشد؛ به عبارتی کمتر اتفاق می‌افتد که رسانه‌ای توأمان در هر سه حوزه یادشده آن‌قدر مسئله داشته باشد که مورد مطالعه انتقادی همزمان هر سه حوزه قرار گیرد. مثلا سی‌ان‌ان زمانی یک مثال بود برای مورد مدیریت (مالکیت) رسانه که رسانه نباید تحت مالکیت متمرکز شخص (شرکت)ی باشد که او توأمان مالکیت چند رسانه دیگر را در اختیار دارد، زیرا این تمرکز مانع تنوع و گوناگونی محتوا می‌شود.

از موارد نادر یادشده، صداوسیما است که در هر سه حوزه مذکور مسئله دارد و مورد نقد مطالعات انتقادی است. از بحث مدیریت (مالکیت) صداوسیما (رسانه‌ای با پیام‌رسانی یک‌طرفه و انحصاری) که بگذریم، چون موضوع بحثمان نیست، توجه می‌کنیم به دو حوزه دیگر در مورد این رسانه، به‌ویژه تبیین روابط این دو حوزه؛ محتوا و منابع مالی. به‌خصوص با توجه به مسئله این روزها یعنی برنامه‌سازی مسابقه‌ای صداوسیما موسوم به بخت‌آزمایی و شبه‌قمار.در حوزه رسانه این اصل بدیهی و شناخته شده است که سرمایه تعیین‌کننده محتواست. این اصل در هر نظام رسانه‌ای و در هر نظام سیاسی معمولا صادق است. اما در مورد صداوسیما و بحث اخیر درگرفته در جامعه موضوع قدری پیچیده است و به توضیح نیاز دارد. اکنون انتقادهایی که به این برنامه‌های صداوسیما می‌شود، متوجه ساخت برنامه است؛ یعنی چون برنامه‌ها، شبیه بخت‌آزمایی، قمار و شرط‌بندی است، مورد نقد و حرام است. سوی دیگر این موضوع که از آن غفلت شده اما مهم‌تر است، به رابطه میان تأمین‌کنندگان مالی یا به‌زعم خود صداوسیما اسپانسرهای برنامه‌ها، با محتوای برنامه‌ها مربوط می‌شود. خود این اسپانسری برنامه‌های صداوسیما موقعی خطرناک می‌شود که تأمین‌کننده مالی در محتوا دخالت می‌کند و از همه خطرناک‌تر اینکه در پیام، پنهان است.از دوره ریاست علی لاریجانی بر صداوسیما و آغاز دوره پسامحمد هاشمی، اتفاق و رویکرد جدیدی در نحوه مدیریت برنامه‌ها (تولیدی و مجموعه‌های تلویزیونی) پدیدار شد و آن برون‌سپاری تولید برنامه‌ها بود. در این دوره شاهد تولید این برنامه‌ها در بیرون صداوسیما (ازسوی عمدتا همان عوامل موظف و کارمندان صداوسیما) و در شرکت‌های خصوصی و پخش آن در صداوسیما هستیم. در دوره ضرغامی این مسئله تشدید شد، اما اتفاق مهم‌تری که در صداوسیمای دوره ضرغامی پدیدار و آغاز شد معطوف به نظام تأمین منابع برنامه‌های این رسانه به شکل جذب اسپانسر بود که در دوره‌های بعد، به‌ویژه در دو سال اخیر، شدت یافته است. تأمین منابع مالی به‌صورتی‌که اینک درصداوسیما شاهدیم (از شرکت‌های تأمین‌کننده و اسپانسر برنامه‌های تولیدی تا مثلا ناجا یا دیگر دستگاه‌ها که بودجه یک سریال را تأمین می‌کنند) تقریبا در جهان بی‌نظیر است. عرصه تلویزیون با سینما جداست. یک عنصر اساسی جدایی و تفاوت این دو، در عمومی‌بودن تلویزیون است؛ بنابراین تلویزیون به عنوان یک رسانه عمومی درصورت سپردن برنامه‌های خود به بخشی از جامعه (یک شرکت یا یک دستگاه) دچار نقض غرض می‌شود. خلاصه تمام حرف صاحب‌نظران مطالعات انتقادی در این زمینه، در لزوم «مرزبندی و ردیابی روشن پول و محتوا» نهفته است.اگر صداوسیما برنامه‌ای ارائه می‌کند که تحت اسپانسری فلان سرمایه‌دار بازار است یا فلان شرکت بیمه یا بانک، باید به‌روشنی و شفافیت تأمین‌کننده مالی آن برنامه به اطلاع افکار عمومی برسد تا بر این اساس مخاطب مرزبندی روشنی بین محتوای واقعی و شبه‌محتوای دستکاری‌شده سرمایه، تشخیص دهد و تکلیف خود را روشن ببیند. متأسفانه صداوسیما در قبال ردیابی منابع مالی برنامه و مرزبندی میان تأمین‌کننده مالی و (تهیه‌کنندگی) محتوا سکوت اختیار می‌کند و حتی دست به پنهان‌کاری می‌زند و مشخص نمی‌کند که برنامه تولیدی تماما (از تعیین مجری برنامه تا میهمانان برنامه و پلاتوها و...) با نظر تأمین‌کننده مالی یا اسپانسر تعیین و تولید می‌شوند که اصطلاح «آنتن‌فروشی» کمترین نکته منفی است که به این اقدام می‌توان نام نهاد. لزوم «مرزبندی و ردیابی روشن میان پول و محتوا» در تجربه موفق مطبوعات در موضوع «رپرتاژآگهی» محقق شده و قابل مشاهده است. در این مقوله مخاطب آگاه می‌شود که محتوایی که ارائه شده اگرچه با مؤلفه‌های محتوای حرفه‌ای آراسته شده، اما سفارشی آن تأمین‌کننده مالی است که در رپرتاژآگهی معرفی می‌شود.ما می‌دانیم مدیریت صداوسیما، مدیریت گرانی است و اداره‌کردن امروزه آن بسیار پرهزینه است و این شاید علت دست‌درازکردن این رسانه به سوی صاحبان سرمایه باشد.

ادامه در صفحه ۲

یادداشت

نمادها، رمز و راز هویت شهری

فیاض زاهد

سال‌ها پیش‌تر نوشته بودم معماری زبان قدرت است. اینکه هر شهر و بلادی در تعریف با نهاد قدرت، معماری خود را معنا می‌کند. برای فهم شرایط روحی، ذهنی و فلسفی مردمانش تنها کافی است در محلات و خیابان‌ها و عمارت‌هایش سرک بکشی. گویا همین دیروز بود که به دخترم عاطفه که از میدان پیروزی پاریس سلانه‌سلانه از طریق خیابان دیانا به طرف ایفل در حال حرکت بودیم، گفتم: بیا در این کنج خیابان بایستیم و با چشمان غیرمسلح به زاویه استقرار دیوارهای ساختمان‌های کل خیابان بنگریم، شاید بتوانیم کجی یا انحرافی را مشاهده کنیم؛ اما با کمال تعجب حتی ۲۰ سانتی‌متر اختلاف هم در کل مسیر ساختمان‌ها قابل مشاهده نبود. عمارت‌ها تنها بخشی از پروژه بازسازی ناپلئون بناپارت و بعدها برادرزاده‌اش لوئی ناپلئون بناپارت بود و نشانی از تغییر در ذهنیت ساکنان و حاکمان جدید فرانسه بود. اگر به معماری ایران خودمان نیز نگاهی بیندازیم، می‌توانیم به نمونه‌هایی از این دست برسیم. بنای تخت جمشید تنها از دستان حکمرانانی مانند داریوش و خشایارشاه ساخته است؛ یا عمارت‌های باشکوهی مانند مسجد شاه‌عباس و عالی‌قاپو و هشت‌بهشت و چهارباغ، تنها از شاهی مانند شاه عباس برمی‌آید. اگر این‌دست عمارت‌ها به دست فتحعلی شاه و ناصرالدین شاه ساخته شود، شکلی کمیک به خود می‌گیرد. فتحعلی شاه نمی‌تواند تخت جمشید بنا کند. هر معماری بازتابی از قدرت اقتصادی، فلسفی و ذهنیت حاکمان و مردمان آن سرزمین است. به نسبت این شکوه بزرگی است که المان‌ها و نمادها شکل می‌گیرند و هویتی را معنا می‌بخشند. تعبیری که هگل درباره تاریخ انسانی به کار برده، اینجا نیز می‌تواند مصداق یابد، هر تاریخی دو چهره دارد؛ جدی و کمدی. من می‌خواهم به وجه کمدی این معنا را القا کنم که این کمدی گاهی خود را در شکل تراژدی‌های دردناک و قابل ترحم وسعت می‌بخشد. آنجا که حکومت‌ها و شاهان یا مجموعه جامعه مدنظر وجهی از هویت را بازتعریف می‌کنند که با ساحت تاریخی آن جامعه ناسازگار است.دان براون وقتی که درباره برج ایفل سخن رانده بود، از این معنا سود برده بود. نماد مذکری که با هویت تاریخی و معماری پاریس در تعارض بود. شهردار وقت پاریس هم این باور را داشت که این آهن‌واره زشت‌منظر به کار شهری با عظمت و معماری پاریس ناسازگار است.یا وقتی معماران ژاپنی برج مشهور «دربازکن» را در قلب شانگهای ساخته بودند، چینی‌ها دریافتند که این آسمان‌خراش مانند شمشیر سامورایی در قلب مرکز تجاری و مالی شهر فرود آمده، در میانه راه فرم برج را به دربازکنی مضحک بدل کردند تا از گزند این طعنه و نفوذ در امان بمانند.نمادها اهمیت خود را در شهرسازی نشان می‌دهند. در میدان ترافالگار لندن توپ‌های برجامانده از جنگ هفت‌ساله را در کوره‌های ذوب به شیران مهیبی که نماد قدرت بریتانیاست، بدل کرده‌اند تا شکوه آن پیروزی را ماندگار کنند.پراگ و بوداپست هم از این طنازی‌ها در امان نمانده‌اند. مسکو و سنت‌پترزبورگ هم این‌چنین. تهران هم نمادهای خود را دارد. برخی از آنان مادی و برخی فرهنگی است. گاهی نمادها مانند تئاتر شهر، موزه هنرهای معاصر، دانشگاه تهران و میدان آزادی وجهی مادی دارند و گاهی شکلی معنوی. وقتی نام لاله‌زار، کافه فردوسی، کافه نادری، مسجد سپهسالار، خانه قوام‌السلطنه و مدرس را می‌شنویم، در عین آنکه درباره محیطی مادی حرف می‌زنیم؛ اما ماهیت معنوی آن بیشتر مدنظر ماست.اینکه چرا معماری و نمادهای آن به قدرت و نوع نگرش آن بازمی‌گردد، ریشه در این حقیقت دارد که با تحلیل معماری و نمادهای آن می‌توانیم ذهنیت آن جامعه را دریابیم. اگر معماری ما سردرگم و بی‌نظم و آشفته است، به آن دلیل است که ذهنیت جامعه که مجموعه‌ای بزرگ‌تر از همه نهادهای قابل محاسبه است، پریشان و بی‌نظم و سردرگم است. کافی است به پشت بام عمارت بلندی در هر شهری برویم و با دیدن ابعاد و شکل و لگاریتم معماری بتوانیم درباره ذهنیت افراد آن جامعه قضاوت کنیم. معماری و زندگی شهری رمزآلود و پیچیده شده است. انسان به‌عنوان جزئی از این هویت موسع درگیر هزارتوی مناسبات پیدا و پنهان است. آن‌گونه که مردمان ساکن در فلات مرکزی ایران این پیچیدگی و رازآلودگی را در معماری و شهرسازی هویدا کرده‌اند. هرچه مردمان ساکن در مناطق شمالی ساده و برون‌گرا و بسیط هستند، معماری و نگره مردمان مرکزی درون‌گرا، پیچیده و رازآلود است.این نشانه‌ها و اسامی و نمادها می‌توانند معنای روشنی به زندگی ما بدهند. از این زاویه است که کار دوستان گران‌قدر در شورای شهر تهران پسندیده است. کاری که دکتر جواد حق‌شناس و دیگر اعضای کمیته نام‌گذاری کرده‌اند، فراتر از نرم‌های رایج است. همان‌طور که کاری که شهردار تهران می‌کند، ستودنی است. دوچرخه‌سواری در سه‌شنبه‌های پاک.نمادها مهم‌اند. مثلا از پرتاب تیر از کمان آرش چه حسی در ذهنیت ما پدید می‌آید؟

ادامه در صفحه ۴

حرف اول

درس‌آموخته‌هایی از سیل فروردین!

محمدرضا واعظ‌مهدوی

نخستین نقطه‌ای که در جریان سیل اخیر، دچار سیل و آب‌گرفتگی شد، شهر سیمرغ در استان مازندران بود. آب‌گرفتگی شدید بر اثر طغیان رودخانه تالار در ۲۷ اسفند سال گذشته رخ داد. مردم بخش‌های وسیعی از این شهر درحالی‌که خود را آماده سال نو و دیدوبازدید عید کرده بودند و درحالی‌که منازل خود را خانه‌تکانی کرده و سفره هفت‌سین چیده بودند، ناگهان با طغیان رودخانه و سیل و آب‌گرفتگی شدید مواجه شدند. ارتفاع آب در خیابان‌ها از یک متر عبور کرد و خانه‌ها و فرش و اثاثیه‌شان غرق در آب شد. بسیاری از دیوارها خراب و برخی خانه‌ها به کلی ویران شدند. عبورومرور در خیابان‌ها مختل شد. دسترسی منازل در آغاز با تراکتور و لودر امکان‌پذیر بود، بعدا اینها هم قادر به عبور در خیابان‌ها نبودند و قایق و جت‌اسکی تنها وسایل قادر به رفت‌وآمد و عبورومرور در خیابان‌ها بودند. روستای تالارپشت نیز کاملا دچار آب‌گرفتگی شد. اطلاع‌رسانی و کمک‌رسانی بلافاصله آغاز شد و مردم از منازل آسیب‌دیده منتقل شدند و خوشبختانه تلفات جانی ایجاد نشد؛ اما بیش از ۶۵۰ خانوار آن‌هم در آستانه عید و سال نو خانه و زندگی و اندوخته ۳۰ سال زندگی خود را از دست دادند و آواره شدند.در تاریخ ۵ اردیبهشت، توفیق حضور مجدد در منطقه و بازدید از مناطق سیل‌زده حاصل شد. فرماندار، شهردار، امام‌جمعه، و بسیاری از مسئولان محلی را ملاقات کردم و در خانه‌های تخریب‌شده حاضر شدم و با سیل‌زدگان گفت‌وگو کردم. بازسازی خانه‌ها آغاز شده و مردم با جدیت مشغول کار و ساختن خانه‌های تخریب‌شده خود بودند. دو میلیون تومان کمک دولت تقریبا به همه داده شده بود؛ ولی از جبران خسارت کشاورزان و سایر کمک‌ها در سطح ملی خبری نبود. مدیران محلی به‌ویژه استاندار و فرماندار مردمی و دوست‌داشتنی با همت خود این عقب‌افتادگی را به‌خوبی جبران کرده بودند. برای بازسازی منازل، سیمان، ماسه و بلوک را از سوی شهرداری، بنیاد برکت، بنیاد مسکن و فرمانداری با همان امکانات محلی تأمین کرده بودند. ماشین‌آلات شهرداری و فرمانداری به جمع‌آوری آوار مشغول بودند و بیش از ۸۰ درصد کار را هم انجام داده بودند. امام‌جمعه محترم از همان اولین ساعات سیل در میان مردم حضور یافته و با همان لباس روحانیت به کمک‌رسانی پرداخته بود.

ادامه در صفحه ۴